



## «حلقات»

# درس 24

استاد: حجت‌الاسلام و المسلمین علم‌الهدی  
آموزشیار: آقای عطایی

در درس گذشته اولین شکل از استدلال عقلی برای اثبات حجیت خبر ثقه مطرح شد و نیز گفته شد که به این استدلال دو اشکال شده است؛ 1. اشکال نقضی 2. اشکال حلّی. هم چنین اشکال نقضی به این استدلال عقلی تبیین شد.

حال در این درس، شهید صدر(ره) به نقل از مرحوم آخوند خراسانی (ره) به اشکال نقضی پاسخ داده و در ادامه به تبیین بخشی از اشکال حلّی می‌پردازد.

## متن درس

و الجواب على هذا النقض ما ذكره صاحب الكفاية من انحلال أحد العلمين الإجماليين بالآخر وفقاً لقاعدة انحلال العلم الإجمالي الكبير، بالعلم الإجمالي الصغير – المتقدمة في الحلقة السابقة – إذ يوجد لدينا علمان إجماليان: الأول: العلم الذي أبرز من خلال هذا النقض و أطرافه كل الاخبار.

و الثاني: العلم المستدل به و أطرافه اخبار الثقات.

و لانحلال علم إجمالي بعلم إجمالي ثان وفقاً للقاعدة التي أشرنا إليها شرطان – كما تقدم في محله –:

أحدهما: ان تكون أطراف الثاني بعض أطراف الأول.

و الآخر: ان لا يزيد المعلوم بالأول عن المعلوم بالثاني، و كلا الشرطين منطبقان في المقام فان العلم الإجمالي الثاني في المقام

– أى العلم المستدل به على الحجة – أطرافه بعض أطراف العلم الأول الذي أبرز في النقض، و المعلوم في الأول لا يزيد على

المعلوم فيه فينحل الأول بالثاني وفقاً للقاعدة المذكورة.

الثاني – جواب حلى، و حاصله ان تطبيق قانون تنجيز العلم الإجمالي لا يحقق الحجية بالمعنى المطلوب في المقام،

خلاصه اشکال نقضی: اگر گفته شود، علم اجمالی حاصل شده از اخبار ثقات، منجز است باید پذیرفت علم اجمالی حاصل از مطلق اخبار نیز منجز است و اقتضای لزوم موافقت قطعی با این علم اجمالی، وجوب عمل به مطلق اخبار است و این همان حجیت مطلق اخبار است که هیچ اصولی و فقهی آن را قبول ندارد.

### پاسخ آخوند خراسانی از اشکال نقضی

توضیحی دربارهٔ یک واژه: در مبحث علم اجمالی، واژه «اطراف» کاربرد زیادی دارد. باید دانست که علم اجمالی همیشه دارای دو یا چند طرف است؛ مثلاً هنگامی که می‌دانیم یکی از دو ظرف نجس است، علم اجمالی دو طرف دارد؛ یا در فرضی که می‌دانیم یکی از سه ظرف نجس است علم اجمالی ما سه طرف دارد. پس اطراف علم اجمالی عبارت از محتمل‌هایی که علم اجمالی بر آنها استوار است.

پاسخ آخوند خراسانی: علم اجمالی حاصل شده از مطلق اخبار، بر اثر علم اجمالی حاصل شده از خبر ثقات، منحل می‌شود و به همین دلیل، اطراف آن (مطلق اخبار) منجز نبوده و وجوب عمل ندارند. بنابراین حجیت نشأت گرفته از علم اجمالی، مختص به اخبار ثقات می‌باشد.

### توضیح و تفصیل

1. به طور کلی در استدلال عقلی و اشکال مطرح شده، دو علم اجمالی وجود داشت:  
اول: علم اجمالی موجود در اشکال نقضی که اطراف آن، مطلق اخبار بود؛  
دوم: علم اجمالی موجود در استدلال عقلی که اطراف آن، اخبار ثقات بود.  
از آنجا که اطراف علم اجمالی اول، بیشتر از اطراف علم اجمالی دوم است، به علم اجمالی حاصل از مطلق اخبار، علم اجمالی کبیر و به عمل اجمالی حاصل از اخبار ثقات، علم اجمالی صغیر اطلاق می‌شود.
2. بر اساس قاعده «انحلال علم اجمالی کبیر بر اثر علم اجمالی صغیر» که یک قاعده اصولی است؛ همیشه علم اجمالی کبیر بر اثر علم اجمالی صغیر، منحل شده و از بین می‌رود؛ در نتیجه اطراف علم اجمالی کبیر منجز نبوده و وجوب امتثال ندارد.

Sco1: 10:48

### شرایط انحلال علم اجمالی کبیر

- شرط اول: اطراف علم اجمالی صغیر، جزئی از اطراف علم اجمالی کبیر باشد؛ یعنی نسبت بین آن دو، عموم و خصوص مطلق باشد؛ به طوری که اطراف علم اجمالی کبیر، اعم مطلق را تشکیل بدهد؛
- شرط دوم: تعداد معلوم در علم اجمالی کبیر، بیشتر از تعداد معلوم در علم اجمالی صغیر نباشد.

مثال برای قاعده انحلال و شروط آن: فرض کنید شما یقین دارید که ششصد روایت غیر معین از مجموع یک هزار روایتی که ثقات از معصومین نقل کرده‌اند از معصوم صادر شده است؛ از طرفی هم یقین دارید که ششصد روایت غیر معین از دو هزار روایتی که مجموع راویان ثقه و ضعیف از معصومین نقل کرده‌اند از معصوم صادر شده است. در این مثال شما دو علم اجمالی دارید که یکی کبیر و دیگری صغیر است؛ علم اجمالی شما به وجود ششصد روایت قطعی الصدور از مجموعه دو هزار تایی، علم اجمالی کبیر؛ و علم اجمالی شما به وجود ششصد روایت قطعی الصدور از مجموعه یک هزار تایی، علم اجمالی صغیر است.

هم‌چنین در این مثال شرط اول و دوم قاعده انحلال علم اجمالی کبیر به صغیر هم وجود دارد؛ چرا که اطراف علم اجمالی صغیر که یک هزار روایت است، جزئی از دو هزار روایتی است که اطراف علم اجمالی کبیر را تشکیل می‌دهد و دیگر اینکه تعداد معلوم در علم اجمالی کبیر یعنی ششصد روایت، بیشتر از تعداد معلوم در علم اجمالی صغیر نیست؛ بنابراین علم اجمالی کبیر در این مثال فرضی، بر اثر علم اجمالی صغیر، منحل و مضمحل می‌شود. در این صورت، آن مقدار از اطراف علم اجمالی کبیر که خارج از حیطه اطراف علم اجمالی صغیر می‌باشد، منجز نبوده و وجوب عمل ندارد. 3. قاعده انحلال علم اجمالی کبیر بر اثر علم اجمالی صغیر، بر بحث ما تطبیق می‌کند؛ به این معنا که علم اجمالی موجود در اشکال مستشکل (که علم اجمالی کبیر است) با علم اجمالی موجود در استدلال عقلی (که علم اجمالی صغیر است) منحل می‌شود؛ زیرا هر دو شرط اجرا شدن این قاعده موجود است.

\* اول اینکه اطراف علم اجمالی صغیر (اخبار ثقات) جزء اطراف علم اجمالی کبیر (مطلق اخبار) می‌باشند.  
\* دوم اینکه تکالیف واقعی معلوم در علم اجمالی کبیر، بیش از تکالیف واقعی معلوم در علم اجمالی صغیر نمی‌باشد. بنابراین با انحلال علم اجمالی موجود در اشکال، اطراف آن نیز (مطلق اخبار) از محدوده تنجز خارج شده و وجوب عمل نخواهد داشت؛ پس نتیجه می‌گیریم استدلال عقلی بر وجوب عمل به اخبار ثقات همچنان صحیح است.

Sco2: 23:54

### اشکال حلّی به شکل اول از دلیل عقلی

هدف ما از استدلال عقلی، اثبات حجّیت خبر ثقه بود؛ اما با استدلال صورت گرفته به این هدف نخواهیم رسید؛ چرا که قانونه تنجیز علم اجمالی هیچگاه باعث تحقّق حجّیت به معنای کامل و مطلوب آن برای اخبار ثقات نخواهد شد؛ برای اثبات اشکال مطرح شده دو دلیل وجود دارد. (دلیل دوم در درس آینده مطرح می‌شود)  
دلیل اول:

دسته‌ای از روایات، مثبت تکلیف هستند؛ به این معنا که در بردارنده حکم وجوب یا حرمت هستند.

اما دسته دیگری از روایات، نافی تکلیفند؛ یعنی وجوب یا حرمت را از افعال نفی می‌کنند.

در بحث حجّیت خبر ثقه، حجّیت مطلوب، آن است که در اخبار ثابت کننده تکلیف، باعث منجزیّت و در اخبار نهی کننده تکلیف، باعث معذریّت شود.

اما علم اجمالی، صرفاً تنجیز آور است؛ یعنی اگر بخواهیم با علم اجمالی برای اخبار ثقات، حجّیت را به اثبات برسانیم، این امکان فقط برای روایات مثبت تکلیف وجود دارد؛ در این صورت، بخشی از اخبار ثقات که نفی کننده تکلیف هستند

و حجّیت در آنها به معنای معذریّت است از حیطه استدلال به علم اجمالی خارج هستند؛ زیرا علم اجمالی فاقد وجه معذریّت برای این اخبار است. بنابراین از آنجا که علم اجمالی صرفاً باعث منجزیت اخبار ثقات می شود، حجّیت به معنای تام و کامل آن که مطلوب استدلال عقلی است محقّق نمی شود.

**Sco3: 28:15**

1. جواب مرحوم آخوند خراسانی به اشکال نقضی از قرار زیر است:  
علم اجمالی موجود در اشکال، علم اجمالی کبیر است؛ چرا که اطراف آن مطلق اخبار است و علم اجمالی موجود در استدلال عقلی، علم اجمالی صغیر است؛ چرا که اطراف آن صرفاً اخبار ثقات است.  
قاعده انحلال علم اجمالی کبیر بر اثر علم اجمالی صغیر بر دو علم اجمالی فوق منطبق است؛ زیرا اجرای این قاعده دو شرط دارد که هر دو محقق می‌باشند.  
شرط اول این است که اطراف علم اجمالی صغیر، اخصّ مطلق از اطراف علم اجمالی کبیر باشد.  
شرط دوم این است که مقدار معلوم در علم اجمالی کبیر، بیش از مقدار معلوم در علم اجمالی صغیر نباشد.
2. اشکال حلّی به شکل اول از استدلال عقلی این است که؛ حجّیت مطلوب از استدلال عقلی با قاعده تنجیز علم اجمالی قابل تحقّق نیست؛ زیرا علم اجمالی صرفاً منجز است و فاقد وجه معذریّت می‌باشد.  
بنابراین با منجزیّت علم اجمالی نمی‌توان حجّیت اخبار نفی کننده تکلیف را اثبات کرد؛ زیرا آن چیزی که باعث حجّیت اخبار نفی کننده تکلیف می‌شود معذریّت است که با علم اجمالی، قابل اثبات نمی‌باشد.